

سیری در سلوک قرآنی شهید مطهری

دکتر نادعلی عاشوری تلوکی^۱



چکیده

اگرچه اشتهار استاد شهید مرحوم مرتضی مطهری بیشتر به عنوان یک فیلسوف مسلمان و متفکر اصلاحی و اندیشمند اجتماعی است؛ ولی یکی از مهم ترین ابعاد شخصیتی آن شهید فرزانه و دانشمند یگانه، سیره قرآنی ایشان است که هر چند حضرت امام خمینی در موارد متعددی از پیام های ماندگار خویش با هوشمندی تمام بدان متفطن بوده و در چند نوبت آن را متذکر شده است؛ اما علاوه بر عموم مردم که از این بُعد از شخصیت استاد شهید غافل هستند، حتی بسیاری از دانش آموختگان حوزه و دانشگاه نیز آن گونه که بایسته است از چهره ی قرآنی شخصیت شهید مطهری آگاهی کافی ندارند. در حالی که مطهری با قرآن زیست و برای قرآن قلم زد و بیان و بنان وی همواره در خدمت قرآن بود و سرانجام نیز جان پاک و روح مطهرش را در راه قرآن به صاحب قرآن تقدیم نمود.

کلید واژه ها

قرآن، شهید مطهری، سیره قرآنی، امام خمینی



مقدمه

استاد مطهری (ره) در کنار حیات فلسفی خویش، توجه و اهتمام ویژه به قرآن داشت، به گونه‌ای که به جز فعالیت های قرآنی، که در طول حیات پر بار علمی شان ادامه داشت به ویژه از زمانی که به تهران هجرت نمود، در اواخر عمر خصوصاً در ده سال آخر آن، توجه ویژه و انس و الفت ریشه‌دار و عمیقی با قرآن و معارف ناب آن پیدا کرد به گونه ای که به اعتراف صریح خودشان، هر چه با قرآن بیشتر مأنوس می شده از حلاوت و شیرینی اش بیشتر بهره مند شده و به همان اندازه که با قرآن همدم می شود، از آنچه که در گذشته علوم اسلامی می دانسته فاصله می گیرد و بتدریج به جای پرداختن به فلسفه و کلام که از دوران نوجوانی بدان عشق می ورزید به قرآن و معارف و علوم قرآنی روی می آورد (مجموعه آثار، ۴/۵۶۰). اگر این بخش از دیدگاههای استاد شهید یک جا گردآوری و تدوین گردد، روشن خواهد شد که بی جهت نبود، حضرت امام تا این اندازه به شهید مطهری علاقه داشت که او را فرزند عزیز و پاره ی تن خویش نامید و بی حکمت نبود که وی را علاوه بر فیلسوف و متکلم و فقیه و اسلام شناس، "قرآن شناس" نیز معرفی فرمود. امید است در مجال کنونی به اندکی از بی شمار مطالب مربوط به این بحث اشاره نماییم تا بلکه توجه قشرهای جوان روحانی و دانشگاهی و فرهیختگان حوزه و دانشگاه را به بحث و بررسی بیشتر و تحقیق و پژوهش عمیق تر در این زمینه جلب نماییم. با این مقدمه به اصل بحث می پردازیم:

• نکته اول: (شهید مطهری و امام خمینی)

شاگردی شهید مطهری در مکتب استادی بی بدیل و فرزانه ای عدیم النظیر همچون امام خمینی (ره) و ستایش های استثنایی که حضرت امام از برجسته ترین شاگرد مکتب خویش به عمل آورده است، آن چنان واضح و روشن و برهمگان آشکار و عیان است که به اشاره اکتفا می کنیم. حضرت امام در عین حالی که در پیام های کم نظیر خویش درباره شهید مطهری، وی را با القاب و عناوینی همچون "متفکر"، "فیلسوف"، "فقیه عالی مقام" و "شهید بزرگوار" می خوانند، بر این نکته اصرار ورزیده و تأکید می کنند که ایشان استاد در اسلام شناسی هستند، آن هم با جامعیت تمام و ابعاد مختلفی که اسلام دارد و فنون متعدد قرآن. در حالی که دیگران به این بُعد از شخصیت استاد کمتر توجه داشته و از بُعد قرآن شناسی و قرآن پژوهی استاد غافل بوده اند.



در هر حال ، از این که ایشان استاد شهید را در " فنون مختلفه ی اسلام و قرآن " کم نظیر معرفی می کنند ، از یک سو بیانگر اوج توجه حضرت امام و نهایت شناخت وی و دقت نظر ایشان درباره شهید مطهری است ، و از سوی دیگر نشان دهنده ی عظمت شخصیت استاد شهید و بزرگی چهره نورانی و قرآنی ایشان است. بر اساس آنچه که مطرح شد ، اگر به این جمع بندی برسیم که مطهری شاگرد مکتب قرآن و تربیت شده ی محضر کلام الله مجید است ، طریق بیهوده ای نپیموده و سخن گزافی بر زبان نرانده ایم .

• نکته دوم : ابعاد شخصیتی شهید مطهری

همان گونه که شخصیت جهادی و حماسی امام خمینی ، دیگر ابعاد وجودی شان ، نظیر بُعد عرفانی و عبادی ، و علمی و اجتهادی شان را تحت الشعاع قرار داده ، به گونه ای که وقتی نام آن بزرگوار به میان می آید همواره یک چهره ی مبارز و یک شخصیت جهادی و سیاستمدار برجسته در اذهان متبادر می شود ، به نظر می رسد بُعد فلسفی و صبغه ی کلامی شخصیت ذوابعد برجسته ترین شاگرد مکتب حضرت امام، یعنی شهید مطهری نیز دیگر ابعاد وجودی ایشان ، از جمله چهره ی قرآنی شان را تحت الشعاع قرار داده باشد ، به گونه ای که وقتی سخن از استاد شهید به میان می آید ، کمتر کسی است که به این بُعد از شخصیت ایشان توجه داشته باشد ، بلکه با شنیدن نام استاد ، همواره یک فیلسوف توانمند و متضلع و اندیشمند برجسته در فلسفه شرق ، و آگاه و مطلع از فلسفه غرب در اذهان تداعی می شود . در حالی که اگر سیره ی علمی و عملی استاد به دقت مورد مطالعه و بازنگری قرار گرفته و آثار پر شمار و بی همتای ایشان از این زاویه مورد دقت نظر و موشکافی قرار گیرد ، ادعای مذکور به روشنی تمام و با دلایل فراوان به اثبات می رسد که در ادامه ی بحث بدان خواهیم پرداخت .

• نکته سوم : استاد مطهری و قرآن

با مطالعه ی سیره ی علمی و عملی استاد مطهری و دقت و تأمل در شرح حال این عالم ربانی به این جمع بندی می برسیم که فعالیت های قرآنی ایشان حول سه محور انجام شده است. این سه محور عبارت انداز :



حفظ و قرائت قرآن

با اندک درنگ و تأمل در زندگی استاد به این نتیجه می‌رسیم که سراسر حیات پر بار آن شهید سعید، تفسیر آیات قرآن، و در بحث کنونی، تفسیر آیه‌ی (فاقرؤوا ماتیسر من القرآن) و آیات فراوان دیگر مشابه آن است که در آنها به تلاوت و قرائت آیات قرآن ترغیب شده و بر انجامش تأکید نموده است. البته استاد حافظ همه‌ی قرآن نبود و هیچ کس هم چنین ادعایی نداشته یا در صدد اثبات آن نیست. اما از آنجا که به طور مستمر و هر روزه به قرائت قرآن می‌پرداخت و انس ویژه‌ای با کلام الهی داشت، به طور طبیعی بسیاری از آیات قرآن را از حفظ بود و در مواقع نیاز بدان استناد می‌کرد. بلکه مراد ما از این محور، بیشتر به مسأله‌ی قرائت هر روزه‌ی قرآن مربوط می‌شود که در روایات فراوانی بدان سفارش شده است و استاد شهید هم آن گونه که از همسر مکرمه‌شان نقل شده، بی‌استثنا هر شب پیش از خواب حدود بیست دقیقه به تلاوت قرآن می‌پرداخت (مصلح بیدار، ۱/۳۸؛ ۲/۵۷) عبارت ایشان در این زمینه چنین است: "در مدت ۲۹ سال زندگی که با ایشان داشتم، در ۲۴ ساعت شبانه روز حتی نیم ساعت بی‌وضو نبودند. همیشه می‌گفت: با وضو باشید، وضوی دایمی خوب است. مناجات‌های شبانه و نمازهای شب ایشان حالت عجیبی داشت... قبل از خواب هم بیست دقیقه‌ی نیم ساعت قرآن می‌خواندند... (همان)

این مسأله اگر چه در ابتدا برای یک عالم حوزوی همانند مطهری یک مسأله‌ی فردی و شخصی و شاید بسیار ساده و حتی کوچک به نظر بیاید؛ ولی با اندک تأملی مشخص خواهد شد که نتیجه و ثمره‌ی همین موضوع فردی و به ظاهر کوچک، در نهایت به جامعه بر می‌گردد و از این رو می‌توان آن را امری اجتماعی قلمداد کرد. تردیدی نیست فردی که با قرآن مأنوس بوده و به قرائت آن مقید و به تلاوت آن متعهد است هرگز قابل مقایسه با کسانی نیست که چنین تقیدی را ندارند. به طور طبیعی رفتار و گفتار چنین افرادی با دیگران فرق خواهد داشت و از این نظر می‌توان آن را امری اجتماعی دانست. استاد شهید قرائت قرآن را اول بار از پدر زاهد و عابد خویش و از همان اوان کودکی فرا گرفت و با مشاهده‌ی قرآن خواندن پدر بزرگوارش، شوق و اشتیاق به قرآن در وجود مستعدش جوانه زد و در حقیقت اول معلم واقعی وی در این زمینه پدر روحانی و وارسته‌اش بود که مقید بود هر روز صبح یک جزء قرآن را تلاوت کند و پس از مهاجرت به قم و آشنایی با حضرت امام و شاگردی در مکتب ایشان و علامه طباطبایی و مشاهده‌ی انس و الفت آنان به قرآن، این میل و



علاقه دو چندان شد به گونه ای که تا آخر عمر ادامه یافت. استاد شهید اگرچه مایل نبود از خود و خانواده‌اش سخنی به میان آورد ولی در یکی از جلسات تفسیری خویش، درباره قرآن خواندن پدرش چنین نقل کرده است: "متهجدین، غیر از مسأله ی نماز شب، یکی از کارهایشان قرآن خواندن در سحر است. مرحوم ابوی ما (رضوان الله علیه) که از وقتی که ما یادمان می آید مرد متهجدی بود، صبح ها همیشه قرآن می خواندند. شاید هم بیشتر برای تعلیم بچه ها بود که بچه ها بیدار بودند، و همیشه هم بدون این که وقفه ای باشد روزی یک جزء تمام از قرآن را می خواندند. با یک نظم خاصی، یعنی روز اول ماه جزء اول قرآن، و روز دوم جزء دوم، روز پنجم جزء پنجم، روز بیست و هشتم جزء بیست و هشتم، روز سی ام جزء سی ام. اگر ماه ۲۹ روز بود، روز بعدش دو جزء می خواندند که ما هر وقت می خواستیم بفهمیم که امروز چندم ماه است، از قرآن خواندن ایشان می فهمیدیم. اگر می دیدیم ایشان مثلاً جزء هفدهم را می خواندند می فهمیدیم امروز حتماً هفدهم ماه است. بعدها همیشه قرآن را در سحر می خواندند. این چیز خیلی مهمی نیست. نسبت به ما که اهل هیچ چیز نیستیم چیز مهمی است. ادب اسلامی این است. این که مسلمان، روز بگذرد و یک جزب یعنی یک چهارم یک جزء انصافاً یک ظلم به قرآن است. در حدیث است، حداقل روزی پنجاه آیه از قرآن بخوانید" (آشنایی با قرآن، ۸۰/۱۰). مطمئناً استاد شهید با مشاهده ی قرآن خواندن پدرش در کودکی و مشاهده ی قرآن خواندن حضرت امام و علامه طباطبایی در نوجوانی و جوانی در مسیر قرآن قرار گرفت و همان گونه که از قول همسر مکرمه شان نقل نمودیم، ایشان خود از کسانی بود که قرائت هر روزه ی قرآن، بخشی از حیات معنوی اش گشت. خوب است این بحث را با نقل کلامی از خود استاد درباره قرائت قرآنش به پایان ببریم که در بحث «حلاوت قرآن» و شیرینی آیات نورانی این کتاب مقدس می گوید: "و من می توانم بگویم (البته این را نمی خواهم به عنوان تزکیه ی نفس و خودستایی گفته باشم، ولی به عنوان یک شکر نعمت پروردگار عرض می کنم. من خودم حدود هشت سال است که واقعاً از شنیدن قرآن لذت می برم و واقعاً از خواندن قرآن لذت می برم و اصلاً در قلب خودم یک معنایی در قرآن احساس می کنم که در غیر قرآن احساس نمی کنم. گاهی با خودم فکر می کنم که شاید این در اثر آن است که تربیت ما عملاً تربیت اسلامی و دینی بوده و این خودش نوعی تعصب است، بعد می بینم که اگر تعصب بود باید هر چیزی که نام اسلام داشته باشد برای من علی السویه باشد، این همه اخبار و احادیثی هم که ما داریم باید اینها درمن [همان



احساس را ایجاد کند [در صورتی که من می‌بینم نسبت به بسیاری از آثاری که در قدیم آثار اسلامی می‌دانستم و درباره‌ی آنها فکر می‌کردم ، مرتب دارم از آنها دورتر می‌شوم ولی نسبت به خود قرآن می‌بینم که این اصلاً یک چیز دیگری است. حتی همین زیبایی قرآن را من سابقاً با اینکه کتاب مطول و غیره را خوانده بودیم ولی چون آنها برای ما کافی نبود، چیزی درک نمی‌کردم. ولی حالا واقعاً زیبایی قرآن را حس می‌کنم مخصوصاً وقتی که با آهنگ لطیف و زیبایی خوانده شود. "مجموعه ی آثار، ۴/۵۶۰، ۵۶۱). چنانچه اشاره شد اگر چه استاد هرگز علاقه‌ای نداشت که در آثار و سخنرانی هایش از خود یا خانواده‌اش سخن بگوید؛ ولی این خاطره از معدود مواردی است که ایشان درباره زندگی شخصی خود یا خلیقات روحی اش مطلبی را بیان می‌کند ، آن هم به طور قطع بدان سبب که قصد تربیتی و هدف سازندگی را در ورای نقل این خاطره پیگیری می‌کند .

• تفسیر قرآن

اگر به سیره ی عملی زندگانی استاد مطهری به دقت بنگریم ، مشاهده می‌کنیم که توفیق الهی در سراسر زندگی استاد هویداست و لحظه لحظه ی حیات پر بار و معنوی ایشان تفسیر عینی آیات نورانی و مقدس قرآن و تجسم واقعی کلام الله مجید است. استاد شهید از معدود چهره های پرکار و موفق بود که با مدیریت درست و صحیح زمان توانست از ۲۴ ساعت شبانه روز بهترین استفاده را برده و بیشترین فرصت را برای خویش ایجاد کرده و از آن برای رسیدن به کمال علمی و عقلی، و نیل به قله رفیع انسانی عالی ترین بهره ها را ببرد. ایشان در طول حدود ربع قرن اقامت در تهران (پس از رسیدن به کمال علمی حوزوی و مهاجرت از قم به تهران)، علاوه بر تدریس در حوزه و دانشگاه، و افزودن بر تحقیق و تألیف ، و مضافاً بر امامت جماعت در برخی مساجد مهم تهران ، جلسات علمی متعددی با افشار مختلف مردم اعم از دانشگاهی و غیر دانشگاهی داشتند که از جمله ی آن می توان به یک جلسه ی سیار هفتگی تفسیر قرآن اشاره کرد که در منزل برخی دوستان و ارادتمندان استاد و علاقه مندان به قرآن تشکیل می‌شد ، که استاد خود در مواردی چند و به مناسبت های مختلف از این جلسه های تفسیری یاد کرده است .

ثانیاً نگاه استاد به مسأله تفسیر و اهمیت ویژه قرآن نزد ایشان نشان می دهد قرآن تا چه اندازه در زندگی معنوی ایشان حضور چشمگیری داشته است که هرچند در آن هنگام که به تفسیر قرآن



می پرداختند کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم منتشر شده بود و حوزه و دانشگاه، و اساساً جامعه، ایشان را به عنوان یک استاد مسلم فلسفه می شناخت، ولی استاد به قرآن اهمیت خاصی می دهد که در این جلسه ها به گسترش فهم قرآن می اندیشد. آنچه که امروزه از سلسله جلسات تفسیری استاد که تحت عنوان "آشنایی با قرآن" چاپ می شود به خوبی نشان می دهد که چقدر دقیق و عمیق به موشکافی و تفسیر آیات پرداخته است، ولی با این همه، خود از اینکه نام تفسیر بر آن بگذارد ابا دارد و آن را بیشتر جلسه وعظ و تذکر می داند؛ در حالی که واقعاً به تفسیر آیات بر اساس تفسیر المیزان پرداخته است. البته اگر استاد فرصت آن را می یافت که در گوشه ای بنشیند و تمام وقت و انرژی خویش را صرف نگارش یک دوره تفسیر قرآن بنماید، به طور قطع یک تفسیر جاودانه و ماندگاری همانند المیزان تدوین می شد، ولی به هر صورت آنچه هم اکنون موجود است نیز نشان از تسلط ایشان در این وادی و بیانگر آگاهی های ژرف و عمیق و وسیع استاد در عرصه علوم قرآنی است؛ در این جلسه های تفسیر نیز استاد مطهری با محوریت المیزان به تفسیر قرآن می پرداخت و هرگز به بهانه همگانی یا عمومی بودنش، بدون مطالعه در جلسه حاضر نمی شد و آن را سطح پایین فرض نکرده یا دست کم نمی گرفت. بیش از نیمی از قرآن را تفسیر گفته توسط استاد شهید تفسیر شده است. ولی از آنجا که تنها در سال های آخر اقدام به ضبط سخنرانی ها می شد، نوار بخشی از آنها در دست نیست و در سلسله نوارهای موجود نیز (که از تفسیر سوره ی زخرف آغاز می شود) در نوارهای اول (تا تفسیر سوره ملک) افتادگی هایی به چشم می خورد. با این همه، آنچه تفسیر قرآن از استاد شهید باقی مانده است گنجینه ای ارزشمند از معارف اسلامی و بسیار مغتنم است. تفسیر استاد مقارن با ایامی بود که مکتب های انحرافی و التفاطی دست به کار تفسیر قرآن شده بودند و به میل و ذوق خود، قرآن را بر مبانی مادی توجیه و تفسیر می کردند، استاد شهید (شاید) نخستین (و بلکه تنها) کسی بود که این جریان [انحرافی و بشدت خطرناک برای دین و متدینین] را شناخت و روی انحرافات آنان انگشت گذارد و (در حالی که حتی بخشی از روحانیت هم از این افراد حمایت می کرد) بشدت اعلام خطر کرد و هر جا در نوشته ها و گفتارهای خود تناسبی دید به بحث و توضیح پیرامون آن کژاندیشی ها پرداخت. "آشنایی با قرآن، ۹۵/۱۰) و تفسیرهای مادیگرایانه ی منافقین که در آن دوران عنوان "مجاهدین خلق" را یدک می کشیدند به صورت عالمانه مورد نقد استاد قرار گرفت و با نهایت دلسوزی به حال منافقین به آنان هشدار داد که اگر دست از این یاوه گویی به



بهانه‌ی تفسیر قرآن بر ندارند و به نصایح خیرخواهانه‌ی استاد گوش نکنند تفکر آنان را به عنوان "ماتریالیسم منافق" به جامعه معرفی خواهد کرد حتی اگر به قیمت جان پاکش تمام شود که با هزاران دریغ و افسوس چنین هم شد و پیش بینی استاد به وقوع پیوست و آن کوردلان منافق و جغدهای شب پرست که تاب مقاومت علمی در برابر استاد را نداشتند، اقدام به ترور ایشان و شهادتشان نمودند. جلسات تفسیری استاد، پس از تأسیس حسینیه‌ی ارشاد در این حسینیه - که خود یکی از بنیان و بنیانگذاران آن بود - نیز تشکیل می‌گردید و "پس از تعطیلی حسینیه‌ی ارشاد، استاد پایگاه خویش را در میدان هفتم تیر فعلی قرار داد و ضمن این که امامت جماعت این مسجد را بر عهده داشتند، جلسات تفسیر قرآن و غیر قرآن توسط ایشان برقرار بود. پس از چندی، مسجدالجواد نیز از سوی رژیم شاه تعطیل شد و استاد سخنرانی‌های خود را بیشتر در مسجد جاوید و مسجد ارک برگزار می‌کردند" (سیری در زندگانی استاد مطهری، ص ۸۷) پیش از تعطیلی مسجدالجواد "طی سه سال حضور استاد در آنجا، یعنی از سال ۴۹ تا سال ۵۱، استاد شهید جلسات تفسیری زیادی در مسجدالجواد داشته‌اند که متأسفانه بخش اعظم نوارهای آن در یورش ساواک به آن مسجد از بین رفته است." (همان، ۷/۳) ولی بخش‌های قابل توجهی از مباحث تفسیری استاد هم اکنون در اختیار است که ظاهراً حدود صد و پنجاه ساعت نوار تفسیر از استاد شهید موجود است که به تدریج در حال پیاده شدن و انتشار است و تاکنون حدود شانزده جلد از این تفسیر با عنوان "آشنایی با قرآن" منتشر شده است که انصافاً و بدون اغراق باید گفت بی نظیر بوده و مصداق بارز "سهل ممتنع" است. به عقیده‌ی نگارنده این بخش از فعالیت‌های قرآنی استاد را می‌توان به سه دوره تقسیم نمود. دوره‌ی اول همان جلسه‌های عمومی و هفتگی تفسیر است. دوره‌ی دوم، جلسات عمیق تر تفسیر قرآن است که در حسینیه‌ی ارشاد انجام می‌شد و پس از تعطیلی حسینیه، در مسجدالجواد واقع در میدان هفتم تیر فعلی برگزار می‌شد. دوره‌ی سوم فعالیت تفسیری استاد عبارت از یک سلسله سخنرانی‌هایی است که در سال ۱۳۵۲ شمسی در دانشگاه صنعتی شریف تحت عنوان "شناخت قرآن" ایراد شد که قرار بود مدخلی باشد برای یک سلسله بحث‌های عمیق تر قرآنی در این باره که ما این بخش را به عنوان سومین بخش فعالیت‌های قرآنی استاد در ذیل عنوان "علوم و معارف قرآن" مستقل از دو عنوان قبلی و به عنوان یکی دیگر از فعالیت‌های قرآنی استاد شهید در ذیل مورد بحث قرار داده ایم.



• علوم و معارف قرآن

بی تردید اگر گفته شود که بسیاری از آثار استاد، اعم از مکتوب یا ملفوظ، یعنی اعم از آن بخشی که ابتدا به صورت یک سلسله سخنرانی ارائه شد و سپس با اصلاحات، اضافات و تجدید نظر استاد به شکل کتاب در آمد، که بخش اعظم کتاب های استاد این گونه است و یا آنها که از همان آغاز به صورت کتاب نگاشته شد، نظیر کتاب ارجمند " اصول فلسفه و روش رئالیسم " و نیز کتاب ارزشمند "داستان راستان" یا دیگر آثارش، در واقع تفسیر ثقلین، یعنی شرح و توضیح کتاب و سنت (قرآن و حدیث) است، یقیناً سخن گزافی گفته نشده است. همان گونه که اگر گفته شود این همه آثار پر شمار بر جای مانده از استاد، در حقیقت شرح و تفسیر افکار و اندیشه های دو استاد علامه و برجسته ی آن شهید سعید، یعنی حضرت امام خمینی (ره) و مرحوم علامه طباطبایی (ره) هست، مطمئناً بیراهه نرفته و سخن ناصوابی گفته نشده است. اما اگر از این اصل کلی صرف نظر کنیم و به بحث فعلی بپردازیم و آنچه را که به عنوان اصلی این بخش مربوط می شود مدنظر قرار دهیم باید بگوییم که استاد در خلال مباحث تفسیری و غیر تفسیری خویش به بسیاری از علوم و معارف قرآن اشاره نمودند و به اجمال و تفصیل هر یک از موضوعات علوم قرآنی نظیر اعجاز، تحریف ناپذیری، تاریخ قرآن، تفسیر به رأی ممنوع و مذموم و تفسیر مورد پذیرش و ممدوح و دهها مسأله دیگر علوم قرآنی را مورد بحث و بررسی دقیق خویش قرار دادند؛ همان گونه که بسیاری از معارف ناب قرآنی نظیر بحث توبه، دعا، شفاعت، عبادات مثل نماز، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، انسان در قرآن، توحید، معاد، نبوت و غیره نیز از نگاه تیزبین و ژرف نگر ایشان دور نمانده و پیرامون هر یک از این مباحث به بررسی دقیق پرداختند که گردآوری و تدوین هر یک از این موضوعات و پرداختن موضوعی به این سلسله مباحث که قطعاً از صدها موضوع قرآنی هم تجاوز می کند، یکی از مهم ترین نیازهای جامعه و بزرگترین دغدغه نگارنده است که امیدوارم با انتشار همه ی آثار استاد، صاحب نظران با صلاحیت و اندیشمندان دلسوز و آگاه بدان همت گمارند. اگر چه هم اکنون نیز پاره ای از این اقدامات در حال انجام است که در جای خود در خور ستایش و تقدیر است؛ ولی قطعاً پس از انتشار همه ی آثار استاد، بررسی موضوعی این مباحث از صحت و استحکام ویژه ای برخوردار خواهد شد و می توان نظریات استاد را در هر زمینه به خوبی استخراج کرد. مثلاً یکی از مباحث مهم در تفسیر قرآن که قطعاً تفسیر استاد نیز از آن مستثنا نخواهد بود بررسی شیوه تفسیری ایشان و



پرداختن به روشی است که مفسر در تفسیر خویش اتخاذ می کند. اگر همین یک موضوع، یعنی نگریستن به "مبانی و روش های تفسیر قرآن" را محور بحث و بررسی خویش قرار داده و بر اساس آن بخواهیم مبنا و روش تفسیری استاد را بدست آوریم، هر چند با مطالعه ی آثار قرآنی و تفسیری منتشر شده ی استاد تا کنون می توان تا حدود زیادی به مقصود نائل شد و شیوه ی ایشان را بدست آورد؛ ولیکن مطمئناً نمی توان با قاطعیت تمام اظهار داشت که روش استاد در تفسیر قرآن همین است که در آثار انتشار یافته ی تاکنون به چشم می خورد. همین گونه است مباحث متعدد دیگری نظیر نامگذاری سوره ها و اجتهادی یا توفیقی بودن آن، تناسب آیات و سوره، افتتاح سوره ها اعم از این که با حروف مقطعه شروع شده باشد یا با غیر آن، شیوه تفسیر قرآن به قرآن، شیوه ی تفسیر عقلی و اجتهادی یا توفیقی بودن نظم و ترتیب قرآن و دهها مسائل و مباحث مختلف دیگری که هم در محدوده ی علوم قرآنی قرار می گیرد و هم در بحث از روش ها و مبانی تفسیر مورد کاوش و بررسی قرار دارد. طبیعی است که وقتی همه ی آثار قرآنی استاد انتشار یافت، به ویژه آثار تفسیری که در حال پیاده سازی از نوار و آماده سازی و انتشار است، آنگاه می توان با غور و بررسی در همه ی آنها به جمع بندی نهایی و نتیجه گیری درست و صحیح رسید. فاجعه ای ناشی از خلاء ایدئولوژیک و فقدان یک بنیان مرصوص فکری. اما در آن هنگام، تنها معدودی متفکر ژرف اندیش، شروع طوفان را قبل از وقوع پیش بینی می کردند و از میان ایشان، گروهی اندک به فکر چاره جویی و حل مشکل بودند. در این شرایط سخت و دشوار، معلم بزرگ ما کمر همت بست تا علی رغم همه ی دشواری ها و مشکلات، و علی رغم این که جامعه چندان عنایتی به بحث های جدی و بنیادی فکری، عقیدتی نداشت و با وجود همه ی خطراتی که از جانب رژیم مطرح بود، به مبارزه با این فاجعه ی در شرف تکوین که جامعه ی ما و مبانی هویت اصیل اسلامی آن را تهدید می کرد، برخیزد. استاد شهید برای ارائه کار عظیم خود طرح ایجاد و بنای استوار عقیدتی بر مبنای تفکر صحیح اسلامی به سلسله سخنرانی ها پرداخت. و رشته از بحث های عمیق و اساسی عقیدتی که عبارت بود از: خدا در قرآن، قرآن در قرآن، پیامبر در قرآن، انسان در قرآن، تاریخ در قرآن، شناخت در قرآن و ... که بر روی هم مجموعه ای پرشمار و غنی از معارف و اندیشه هایی را که در این آخرین و کامل ترین پیام الهی مندرج است، را ارائه نمود. " (همان، ۷/۱)



• علل و انگیزه‌های گرایش به قرآن

شاید طرح این عنوان خود پرسش برانگیز بوده و حتی این شبهه را تداعی می‌کند که مگر قرآن ذاتاً حجت نبوده و قابل اعتماد و استناد نیست که باید برای گرایش به آن دلیل و مدرک ارائه کرد. ولی مراد ما از طرح این بحث، بیان این نکته است که اگر استاد شهید پس از عمری مطالعه و تحقیق، و نگارش و تألیف در علوم مختلف اسلامی بویژه در فلسفه و کلام، سرانجام به ثقلین روی می‌آورد و از قرآن و حدیث پناه می‌جوید، علت چیست؟ و عامل انگیزه کدام است؟ به نظر می‌رسد دو عامل مهم و اساسی برای توجیه این بخش از حیات علمی ایشان می‌توان ذکر نمود. نخست عامل درونی و ذاتی. دیگری عامل بیرونی و خارجی. این بحث را ذیل همین دو عنوان پی می‌گیریم.

الف - علل درونی و ذاتی

نخستین علت روی آوردن شهید مطهری به قرآن انگیزه درونی و شوق و اشتیاق ذاتی است که از آغاز طفولیت و با نگاه به نماز و قرآن خواندن پدرش در وجود مستعدش شکل گرفته و شکوفا شد. و اساساً عشق به قرآن برای هر مسلمان و جاذبه معنوی و فوق‌العاده‌ای که این کتاب آسمانی دارد آنچنان بدیهی و روشن است که نیازی به استدلال و آوردن دلیل و برهان ندارد و مطهری نیز از این قاعده مستثنا نبوده و نیست. به نظر می‌رسد که این بخش از زندگانی استاد را می‌توان با زندگی صدرالمتألهین مقایسه کرد که همان گونه که ملاصدرا در مقدمه شرح ناتمام اصول کافی خویش و نیز در مواردی از تفسیر هادی خود با صراحت اظهار داشته، پس از عمری بحث و مطالعه، و تحقیق و تألیف، و تدریس علوم عقلی به ویژه فلسفه و خصوصاً پس از پی ریزی بنای عظیم فلسفه خویش به نام حکمت متعالیه احساس کرد که رسیدن به کمال انسانیت، تنها با تکیه بر عقل میسر نیست و جایگاه نقل و علوم نقلی و به ویژه قرآن و فهم دقیق و درست آن از آنچنان ارزش ذاتی و جایگاه برجسته‌ای برخوردار است که اگر انسان عمری را در این طریق سپری کند پسندیده و ممدوح است و بر اساس همین باور و اعتقاد بود که وی در اواخر عمر گرایش شدیدی به علوم نقلی خصوصاً آیات و احادیث پیدا کرد. شهید مطهری که حقیقتاً عاشق و شیدای ملاصدرا و حکمت متعالیه اش بود دقیقاً همین مشرب وی را پیشه‌ی خود ساخت و اگر چه از دوران کودکی و با مشاهده‌ی قرآن خواندن پدرش عاشق قرآن بود و قرائت قرآن و فهم معانی ژرف آن را در همه‌ی عمر مقصد اعلا و هدف غایی



خویش قرار داده بود؛ و آنچه را که درباره ی جلسات سخنرانی هایش در دانشگاه صنعتی شریف بیان کردیم دقیقاً در راستای عملیاتی نمودن این هدف مقدس یعنی روی آوردن تمام وقت به قرآن و پر رنگ نمودن این بخش از حیات علمی خویش و کم رنگ کردن و در مرحله ثانوی قرار دادن علوم متعدد و مختلف دیگری است که به تعبیر خود استاد، در سابق آنها را علوم اسلامی می دانست.

ب- علل بیرونی و خارجی

به نظر می رسد در جنب این اشتیاق ذاتی و درونی که از آن به علل و انگیزه های درونی تعبیر نمودیم، علل و انگیزه های دیگری نیز بیرون از نهاد آن وجود مطهر هم در روی آوردن استاد به علوم و معارف قرآن نقش داشته است که از آن با تعبیر عوامل بیرونی یاد می کنیم. بی تردید، یکی از مهم ترین علل و عوامل خارجی گرایش استاد به تفسیر و مباحث قرآن، تفسیرهای نابه جا و در واقع، تحریف های بسیار زیادی بود که در اواسط دهه ی پنجاه شمسی از آیات قرآن به عمل آمد به گونه ای که برای آن چهره ی قرآنی و وجود مقدس و نورانی، تحمل این قبیل تفسیرهای ناصواب غیر ممکن شد و به همین جهت سعی کرد تلاش های علمی خویش را در راه مبارزه با این کژی ها و انحرافات، و ارائه تفسیری درست و صحیح از چهره ی تابناک قرآن منحصر سازد.

همان گونه که مشاهده می شود علاوه بر عوامل ذاتی و درونی، علل و انگیزه های بیرونی نظیر تفسیرهای ناصواب برخی از روشنفکران نیز موجب شد تا گرایش استاد به قرآن، و تفسیر و توضیح آن بیشتر شود که بحث تفصیلی آن نیازمند مجال گسترده تر و فرصتی بیشتر از وضعیت فعلی و موکول به انتشار همه ی آثار قرآنی استاد است که امید است در آینده ای نزدیک به انجام آن توفیق یابیم. بنابراین به مباحث دیگری در زمینه ی پژوهش های قرآنی استاد می پردازیم.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. آشنایی با قرآن، مرتضی مطهری انتشارات صدرا، جلد اول تا نهم چاپ تهران سالهای مختلف
۳. پیرامون جمهوری اسلامی، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا چاپ سیزدهم تهران، ۱۳۷۹
۴. پیرامون انقلاب اسلامی، مرتضی مطهری انتشارات صدرا، قم، بی تا
۵. جامعه و تاریخ، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۷۷
۶. جلوه های معلمی استاد مطهری، مجموعه مقالات درباره شهید مطهری، تهران، ۱۳۶۳
۷. حکمت ها و اندرزها، مرتضی مطهری انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۰
۸. حرکت و زمان در فلسفه اسلامی، مرتضی مطهری انتشارات صدرا، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۹
۹. ده گفتار، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چاپ چهاردهم، تهران، ۱۳۷۷
۱۰. سیری در نهج البلاغه، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چاپ دوم، قم، ۱۳۵۴
۱۱. سیری در زندگانی استاد مطهری، انتشارات صدرا، چاپ ششم، تهران، ۱۳۷۹
۱۲. عرفان حافظ، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران ۱۳۸۲
۱۳. قرآن پژوهی، بهاء الدین خرمشاهی، تهران، ۱۳۷۸
۱۴. مجموعه آثار، استاد شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، از جلد اول تا جلد بیست و یک، تهران، سالهای مختلف
۱۵. مصلح بیدار، محمد حسین واتقی، انتشارات صدرا، جلد یک و دو چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹
۱۶. یادداشت های استاد مطهری، انتشارات صدرا، از جلد اول تا هفتم، چاپ اول، تهران، سالهای مختلف